

بررسی مقدماتی عوامل مؤثر بر طلاق و راههای پیش‌گیری از آن

AN ELEMENTARY STUDY ON THE EFFECTIVE FACTORS ON DIVORCE AND ITS PREVENTIVE METHODS

F. Sepehrain L.⁽¹⁾

Key words : Divorce, Etiology, Prevention, Control

Our study was done on sixty families who applied for divorce and whose separation were confirmed by the court. This population was studied with a questionnaire of 57 items for epidemiologic data and etiological factors as well. Participants were compared with sixty similar nuclear families which were randomized according to the rules.

Respondents mentioned the following factors as the reasons for applying for divorce: incompatible and immoral behavior 83% intervention of spouse's family members 42.5%, polygamy 30%, behavior opposing religious standard 23%, drug dependence, alcoholism and gambling 20%, irresponsibility of husband to wife 15%, abusive behavior by husband 13%, feeling of hatred towards husband 10%, diagnosis of psychiatric disorders 10%, financial problems 10%, significant age difference with spouse 10%, cultural diversity 10%.

We studied the marriage/divorce ratio in different cities of Western Azarbaijan Province between the years of 1982 and 1994, and we found the lowest figure for Salmas with the ratio of 2.8% and the highest figure for Mahabad with 17.5%. This difference shows that divorce is preventable, and we have put some recommendation.

تلاشی خانواده در اثر طلاق، روی بهداشت روان همسران و فرزندان و کلیه افراد فامیل جنبه مخرب دارد.

مقایسه نسبت ازدواج به طلاق در کشورهای اروپائی در سال ۱۹۲۰ به دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ به ۴ برابر افزایش یافته است. به عنوان مثال این نسبت در سوئد از ۴٪ به ۱۵٪، در سوئیس از ۸٪ به ۱۲٪ و در فرانسه از ۶٪ به ۱۰٪ افزایش یافته است. (ساروخانی: ۱۳۷۲)

بررسی مقدماتی عوامل مؤثر بر طلاق و
راههای پیش‌گیری از آن^(۲)

فیروزه سپهریان

عضو هیأت علمی دانشگاه علوم ارومیه

مقدمه

نخستین واحد اجتماعی که کودک به آن علاقه پیدا می‌کند محیط خانواده است. رشد اخلاقی کودک، با محبت و وفاداری سایر اعضای خانواده به مراحل بالاتر توسعه می‌یابد.

1. Academic Member of Urmia University

۲- توضیح: این مقاله خلاصه‌ای از گزارش مربوط به طرح تحقیقاتی مصوب کمیسیون پژوهشی اداره کل ارشاد اسلامی ارومیه می‌باشد.

دستور العمل کامپیوتری برنامه‌های آماری در علوم تجربی و (SPSS) محاسبه‌های آماری انجام پذیرفت. همچنین با استفاده از روشهای آماری، مجذور خی و آزمون t ضریب همبستگی، دو گروه مورد بررسی قرار گرفتند.

نتایج

میانگین سنی ازدواج در هر دو گروه طلاق و هسته‌ای به ترتیب ۲۴ و ۲۷ سال می‌باشد و میانگین سنی زوجه هنگام ازدواج در هر دو گروه یاد شده به ترتیب ۲۰ و ۲۲ سال می‌باشد و تفاوت میانگینهای دو گروه طلاق و هسته‌ای با استفاده از آزمون t بین محاسبه گردید. که با ۹۹ درصد اطمینان تفاوت‌ها معنی دار می‌باشند.

فاصله سن زوجین و مدت زمانی که با یکدیگر زندگی مشترک داشته‌اند نیز در هر دو گروه طلاق و هسته‌ای بررسی شد که در هر دو متغیر، تفاوت بین میانگینهای گروههای طلاق و هسته‌ای معنی دار می‌باشد با توجه به یافته‌ها در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود که در سالهای اول زندگی درصد وقوع طلاق بیشتر است.

واقعیت‌های فوق ما را برآن داشت که با توجه به امکانات محدود خود، بررسی مقدماتی بر روی عاملهای مؤثر بر طلاق در شهر ارومیه انجام دهیم و پیشنهادهائی را نیز بر اساس نتیجه‌های به دست آمده ارائه نماییم.

روش بررسی

جامعه مورد بررسی ما ۶۰ زن و شوهر بودند که درخواست خود را برای انجام طلاق به دادگاه شهرستان ارومیه ارائه کرده بودند و حکم طلاق قطعی شده بود. این گروه با ۶۰ زن و شوهر با خانواده هسته‌ای مقایسه شدند. (منظور از خانواده هسته‌ای خانواده‌ای است که پدر و مادر و فرزندان در آن عضویت دارند). انتخاب گروه شاهد بر اساس ضوابط انتخاب گروه تصادفی صورت پذیرفت. با مطالعه پرونده مواردی در که سالهای ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ حکم طلاق درباره آن‌ها صادر شده بود، عواملی که در اقدام به طلاق مؤثر شناخته شدند بیرون زده شد و بر اساس آن پرسشنامه ۵۷ سؤالی از نوع پاسخ بسته تنظیم و مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه مزبور به مدت ۵ ماه با حضور در دادگاه پر گردید و همزمان بر روی گروه شاهد نیز پیاده شد. یا استفاده از

گروههای مورد مطالعه	سن زوج هنگام ازدواج	سن زوجه هنگام ازدواج	فاصله سنی زوجین بر حسب سال	مدت زمان زندگی مشترک زوجین بر حسب سال
خانواده‌های (MEAN)	۲۴	۲۰	۹	۵/۵
طلاق (MODE)	۲۱	۱۶	۳	۱
انحراف معیار	۷/۸	۷/۱۰	۶/۳۴	۳/۹۳
خانواده‌های (MEAN)	۲۷	۲۲	۶	۱۵/۸
هسته‌ای (MODE)	۲۲	۲۶	۴	۱۶
انحراف معیار	۴/۰۷	۵	۴/۰۶	۶/۳
t	۶/۱۲	۴	۶/۶	۲۲/۸

جدول شماره ۱: میانگین سنی پاسخ دهندگان در هنگام ازدواج و فاصله سنی و مدت مشترک

زوجین در گروههای هسته‌ای و طلاق

در مطالعه حاضر ۷۹/۲٪ از خانواده‌های طلاق و ۹۳/۶٪ از زوجین نداشتند. خانواده‌های هسته‌ای هیچ گونه قرابت و خویشاوندی بین ۵۶/۵٪ درصد از زنان و ۶۸٪ درصد از مردان گروه طلاق دارای

خی دو محاسبه شد. مجذور خی در پاسخهای دو گروه طلاق و هسته ایی $X^2=1/296$ می باشد که با درجه آزادی $df=3$ معنادار نمی باشد.

انگیزه زوجین برای ازدواج در هر دو گروه مورد مطالعه تحقیق بررسی شد. بیشتر زنان و مردان پاسخ دهنده گروه طلاق اظهار نمودند که برای تشکیل خانواده ازدواج کرده اند. (۴۵٪) و ۱۷٪ از روی اجبار ازدواج کرده اند و انگیزه ۱۱٪ دیگر عشق بوده است. البته فرزند دار شدن و رفع نیاز جنسی نیز از عوامل دیگر ازدواج ذکر شده است. لازم به ذکر است که فراوانی پاسخهای زنان و مردان به سؤال فوق متفاوت می باشد. ضریب وابستگی برای تعیین ارتباط بین نوع جنس و پاسخ به سؤال محاسبه شد نشان می دهد بین دو متغیر رابطه معنی دار وجود دارد. از نمونه های مورد مطالعه پرسیده شد «آیا قبل از ازدواج با همسران شما آشنایی داشتید یا نه» و اگر جواب مثبت است مدت دوران آشنایی چه قدر بوده است و از این مدت برای شناخت همسران استفاده کرده اند یا نه.

بیشتر زنان و مردان (۶۳٪) اظهار داشته اند که از نامزدی برای شناخت همسر آینده استفاده نکرده اند و میانگین طول دوران نامزدی آنان ۳۰ روز بوده است.

در ارتباط با سؤال دیگر پرسشنامه، نوع سکونت زوجین در هر گروه با آزمون مجذور خی محاسبه شد. مجذور خی $X^2=6/4$ با درجه آزادی $df=3$ نشان داد که نسبت پاسخ های داده شده و متغیر نوع سکونت در گروه های مورد مطالعه یکسان بوده است به عبارت دیگر نوع سکونت در گروه های فوق مستقل از یکدیگر است و بین دو متغیر ارتباط معنی دار وجود ندارد.

در دو گروه مورد مطالعه داشتن فرزند و تعداد فرزندان بررسی شد. یافته ها نشان داد که ۱۰۰٪ گروه هسته ایی صاحب فرزند می باشند و تعداد بیشتر خانواده ها دارای ۲ یا ۳ فرزند هستند (۷/۸٪) و در گروه طلاق ۶۴٪ دارای فرزند می باشند که پراکندگی تعداد فرزندان زیاد می باشد. ۳۳/۹٪ گروه طلاق بدون فرزند هستند که علت نداشتن فرزند را دارای علل گوناگون بیان کرده اند.

در پاسخ به این سؤال که چه مدت بعد از ازدواج اختلاف پیدا کرده اید ۶۳/۸٪ خانواده های هسته ای اظهار داشته اند که اختلافی ندارند. ۷۰٪ از خانواده های طلاق اظهار نموده اند که هنگام

تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند در صورتی که ۶/۴٪ درصد زنان و ۱۰٪ درصد از مردان گروه هسته ای بی سواد، سواد در حد خواندن و نوشتن و یا دارای تحصیلات ابتدایی هستند. آزمون خی برای مطالعه تفاوت بین میانگین های دو گروه طلاق و هسته ای به تفکیک جنس محاسبه شد. خی محاسبه شده برای زنان ۱۹۰/۷ و برای ۲۸/۵ می باشد. عوامل مؤثر در طلاق در جدول شماره ۲ خلاصه شده اند و با تفصیل نسبی بررسی می شوند.

علت تقاضای طلاق	فراوانی	درصد
ناسازگاریهای رفتاری و اخلاقی	۱۰۰	۸۳
دخالت بی جای خویشاندان و آشنایان	۵۱	۴۲/۵
گرفتن یا داشتن زن دیگر	۳۶	۳۰
فساد اخلاقی	۲۷	۲۳
اعتیاد به مواد مخدر، الکل و قمار	۲۴	۲۰
عدم احساس مسئولیت مرد نسبت به خانواده	۱۸	۱۵
آزار و اذیت توسط مرد	۱۵	۱۳
تنفر از همسر	۱۲	۱۰
بیماری روان پزشکی	۱۲	۱۰
مشکل امرار معاش	۱۲	۱۰
ازدواج در سنین پایین و اختلاف سنی	۱۲	۱۰
اختلاف فرهنگی	۱۲	۱۰

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی نمونه بر حسب عواملی که موجب طلاق بوده اند.

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه را بر حسب عوامل و عللی که موجب تقاضای طلاق بوده اند، نشان می دهد، همان طور که در جدول فوق مشاهده می گردد بیشتر زنان و مردان (۸۳٪) اظهار نموده اند که علت تقاضای طلاق آنان از همسر ناسازگاری های رفتاری و اخلاقی بوده است و ۴۲٪ درصد دخالت بی جای خویشاوندان و آشنایان را علت جدایی ذکر نموده اند.

لازم به ذکر است که علت بالاتر بودن عوامل مؤثر از ۱۰۰٪ امکان انتخاب چند عامل در هر مورد بوده است.

در پاسخ به این سؤال که آیا یک سان نبودن تحصیلات زوجین موجب اختلاف شده است یا نه؟ جوابهای هر دو گروه با آزمون

اظهار نموده‌اند که سابقه طلاق در خانواده آنها و یا برای خود آنها وجود داشته است. از بین این تعداد ۱۱٪ خود فرد پاسخ دهنده تجربه طلاق داشته است. ۱۱/۳٪ درصد نیز اظهار نموده‌اند که خواهران و برادرانشان حداقل یک بار طلاق را تجربه کرده‌اند. در خانواده‌های هسته‌ای هیچ کدام از پاسخ دهندگان خود تجربه طلاق نداشته‌اند و در ۱۲ درصد آنان بین والدین و یا خواهران و برادرانشان سابقه طلاق وجود نداشته است.

از گروه‌های مؤثر مطالعه پرسیده شد که «آیا از نظر جنسی تفاهم داشته اید یا نه؟ و اگر جواب منفی است این مسئله تا چه اندازه در زندگی آنان مشکل ایجاد کرده است». بیشتر خانواده‌های هسته‌ای اظهار نموده‌اند که از نظر زندگی جنسی تفاهم داشته‌اند (۷۳/۸٪) و ۲۶/۲٪ بقیه با همسران خود تفاهم نداشته ۳۰٪ خانواده‌های طلاق اظهار نموده‌اند که این مسئله مشکل خیلی زیادی را ایجاد کرده است.

ازدواج اختلاف پیدا کرده‌اند. متغیر دیگری که مورد مطالعه قرار گرفت دخالت‌های دیگران در زندگی زوجین می‌باشد. ۶۰٪ از پاسخ دهندگان گروه هسته‌ای به سؤال فوق جواب مثبت داده‌اند. ۴۱/۵٪ از پاسخ دهندگان طلاق اظهار داشته‌اند که دخالت دیگران ناراحتی خیلی زیادی را در روابط با همسرشان ایجاد کرده است. مجذور خی دو محاسبه شده $(x^2=32/8)$ و در سطح اطمینان ۹۹٪ با درجه آزادی ۹ معنادار می‌باشد. نسبت پاسخ‌های گروه طلاق و هسته‌ای به سؤال فوق یک سان نیست. یعنی بین دو متغیر ارتباط معنی دار وجود دارد. در ادامه این بررسی مشاهده شد که بیش از نیمی از زنان، اقوام شوهر خویش را در اختلافات خود مقصر دانسته‌اند و حدود ۶ درصد مردان نیز از اقوام زن را مقصر دانسته‌اند. در این بررسی بیشتر پاسخ دهندگان زن و مرد گروه طلاق (۵۶٪) اظهار نمودند که سابقه طلاق در خانواده آنها وجود ندارد. ۳۲٪

گروه‌های مورد مطالعه		آیا مشکلاتی مانند موارد زیر را داشتید؟						اگر جواب مثبت است تا چه اندازه این مسائل مشکل ایجاد کرده است.			
		تعدد زوج		اعتیاد مواد مخدر		الکل و قمار		کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
		بلی	خیر	بلی	خیر	بلی	خیر				
طلاق	فراوانی	۱۴	۳۶	۴	۲۷	۱۳	۳۶	۲	۲	۵	۱۷
	درصد	۷۲۹/۸	۷۰/۲	۷/۱۸	۹۲/۲	۲۶/۵	۷۳/۲۵	۷/۷	۷/۷	۱۹/۲	۶۵/۳
هسته‌ای	فراوانی	۰	۳۰	۰	۳۶	۱	۳۲	۱	۰	۰	۰
	درصد	۰	۹۶/۸	۰	۱۰۰	۳	۹۷	۱۰۰	۰	۰	۰

جدول شماره ۳: نقش چند همسری و وابستگی به مواد مخدر، الکل و قمار در بروز طلاق

می‌باشد به‌طور صریح مسلمانان رابرحذ داشته و به‌طور عملی انجام آنرا مشکل کرده است.

دین مقدس اسلام باتوجه به عواقب شومی که طلاق دارد موانع و مشکلات زیادی را در راه تحقق آن گذاشته است تا زوجین را از اقدام عجولانه و بی‌مطالعه درمورد استفاده از طلاق بازدارد. چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: خشم من نسبت به طلاق از همه چیز بیشتر است (حقانی زنجانی، ۱۳۷۱).

سیلوستری (Silvestri) و سیلیویو (Silvio) (۱۹۹۰) سعی در شناخت تأثیر دراز مدت طلاق در بزرگسالی داشتند. یافته‌های آنان نشانگر ویژگی‌هایی مانند اقدام برای ازبین بردن

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه را بر حسب دخالت چند همسری، مواد مخدر، الکل و قمار نشان می‌دهد. ۶۵/۳٪ خانواده‌ها اظهار نموده‌اند که این عوامل، مشکل خیلی زیادی را برای آنان فراهم کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

همه ادیان الهی که هدفشان پاک نگاه داشتن جامعه و رهبری جوامع به‌سوی کمال بوده است برامر ازدواج تأکید کرده‌اند و بیش از همه ادیان، دین مقدس اسلام به این امر توجه کرده است و پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده دستور می‌دهد. ولی باتوجه به این که طلاق یک ضرورت اجتماعی نیز

خود، عدم اعتماد و مطیع بودن و همچنین یک شیوه بین فردی خصمانه در مردان می‌باشد. در جدول شماره ۴ طلاق های ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج در شهر ارومیه در مدت ۱۳ سال ذکر شده‌اند.

سال	تعداد طلاق درکل استان	تعداد طلاق در شهرستان ارومیه	نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان ارومیه
۱۳۶۱	۱۴۰۹	۴۴۸	۱۲
۱۳۶۲	۱۵۸۱	۵۳۳	۱۱/۵
۱۳۶۳	۱۴۰۰	۴۷۸	۱۰/۷
۱۳۶۴	۱۴۷۱	۴۹۲	۱۰/۸
۱۳۶۵	۱۴۶۶	۴۹۰	۱۳
۱۳۶۶	۱۶۱۴	۵۱۰	۱۲/۶
۱۳۶۷	۱۴۷۲	۴۰۶	۸/۴
۱۳۶۸	۱۳۳۶	۵۳۳	۷/۵
۱۳۶۹	۱۶۳۳	۵۰۶	۸/۹
۱۳۷۰	۱۷۰۷	۵۰۱	۸/۸
۱۳۷۱	۱۷۱۲	۵۴۶	۹/۵
۱۳۷۲	۱۵۸۰	۵۲۹	۹/۸
۱۳۷۳	۱۵۹۶	۵۴۵	۱۲/۷

جدول شماره ۴: طلاق های ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج در شهرستان ارومیه در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ در جدول شماره ۵ ازدواج و طلاق های ثبت شده و نسبت طلاق به ازدواج در شهرهای استان آذربایجان غربی مشاهده می‌گردند. این دو جدول طیف مشکل طلاق را نشان می‌دهند.

شهرستان	طلاق	ازدواج	نسبت طلاق به ازدواج
ارومیه	۵۴۵	۴۲۹۵	۱۲/۷
بوکان	۵۷	۱۳۴۱	۴/۲
پیرانشهر	۱۷	۲۷۷	۶/۱
تکاب	۹۲	۸۷۵	۱۰/۵
خوی	۱۵۸	۲۶۹۴	۵/۹
سردشت	۳۸	۳۴۷	۱۰/۹
سلماس	۳۲	۱۱۰۷	۲/۸
شاهیندوز	۴۴	۸۰۶	۵/۴
ماکو	۶۵	۱۰۹۲	۵/۹
میاندوآب	۲۱۳	۲۷۲۴	۷/۸
نقده	۱۴۳	۱۳۰۰	۱۱
مهاباد	۱۹۲	۱۰۹۵	۱۷/۵
جمع	۱۵۹۶	۱۷۹۵۳	۸/۸۹

جدول شماره ۵: ازدواج و طلاق ثبت شده در سطح آذربایجان غربی در سال ۱۳۷۳ (مأخذ اداره کل ثبت احوال استان)

نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۳ بین ۷/۵ تا ۱۳٪ می‌باشد که تفاوتی نزدیک به ۵ برابر بین شهرهای مختلف نوسان می‌کند و این نسبت در شهرهای استان بین ۲/۸ تا ۱۷/۵٪ مشاهده می‌گردد. همین تفاوت نشان می‌دهد که وفور طلاق

درازیایش هزینه‌های ناشی از الکل با این تحقیق تأیید می‌شود. به عبارت دیگر ارتباط متقابلی بین مصرف الکل و میزان طلاق وجود دارد. افزایش مصرف الکل موجب افزایش طلاق و افزایش طلاق موجب افزایش مصرف الکل و هزینه‌های مربوط به آن می‌شود (۷).

عدم احساس مسئولیت مرد نسبت به خانواده، آزار و اذیت توسط مرد و تنفر از همسر نیز مانند ناسازگارهای رفتاری و اخلاقی باید مورد بررسی قرار گیرد. این عامل نیز ممکن است ریشه اختلال روان‌پزشکی داشته باشد یا صرفاً ناشی از عدم مراعات اصول اخلاقی است و با آموزش می‌توان آن را کنترل نمود.

بیماری روان‌پزشکی عامل ۱۰٪ از موارد طلاق بوده است. کسلر (Kessler-RC) و والترز (Walters-EE) و فورثوفر (Forthofer) در بررسی نقش اختلال‌های روان‌پزشکی در بروز طلاق در آمریکا مشاهده کردند که ابتلای به این اختلال‌ها نقش مهمی در افزایش طلاق دارد. آن‌ها این سؤال مهم را مطرح می‌کنند که آیا جامعه قدرت درمان همه اختلال‌های روانی را دارد؟ پیشنهاد می‌کنند که در بررسی هزینه (Cost) اختلال‌های روانی باید این جنبه نیز ملحوظ گردد (۸). از طرف دیگر باید به پیامدهای ناشی از طلاق توجه کرد و این خود می‌تواند موضوع بررسی‌های متعددی در این زمینه باشد.

اریکسن (Eriksen-W) نتویگ (Natvig-B) و بروسکار (Broosgaard-D) با بررسی بر روی ۱۱۱۵ مورد، نقش برهم خوردن ازدواج را بر میزان ازکار افتادگی مطالعه نمود. این پژوهشگران مشاهده کردند علی‌رغم یک‌سان بودن متغیرهایی مانند سن، جنس، مشخصات کار، ساعت کار در هفته، داشتن کودک قبل از سن دبستان، مصرف سیگار، فعالیت‌های بدنی و علائم هیجانی برهم خوردن ازدواج موجب از کار افتادگی ممتد شده است (۹).

هپ (Hope-S) پاور (Power-C) و راجرز (Rodgers-B) در بررسی خود تحت عنوان «عوامل مؤثر در مادران تنها (Lone Mothers)» که نتایج آن در ۱۹۹۹ منتشر شده مشاهده کردند نقش استرس‌زایی سختی معیشت در زنانی که تنهایی آنها به علت طلاق بود بیش از زنانی که هیچگاه ازدواج نکرده بودند بیشتر بود. همچنین این عامل نقش مؤثرتری نسبت به کمبود

برحسب عوامل فرهنگی - اجتماعی متفاوت است و یک پدیده قابل پیش‌گیری است. لازم است این پدیده در شهر سلماس که کمترین نسبت طلاق و ازدواج را در سال ۱۳۷۳ داشته است، بررسی شود.

بررسی عوامل مؤثر در طلاق (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که اغلب عوامل ذکر شده در شرایط ایده‌آل قابل پیش‌گیری هستند. ناسازگاری رفتاری ممکن است ناشی از عدم مراعات قوانین اخلاقی و در نتیجه عدم مراعات حقوق همسر باشد که در این صورت یقیناً آموزش اختصاصی حقوق و ضوابط اسلامی و متقاعد کردن خانواده‌ها نسبت به مراعات آنها می‌تواند راه‌گشا باشد. بعضی از موارد ناسازگاری ممکن است به علت اختلال شخصیتی و یا روان‌پزشکی باشد که چنانچه ما بتوانیم به‌طور قانونی بررسی روان‌شناختی و روان‌پزشکی را قبل از صدور حکم طلاق الزامی نمائیم، می‌توانیم تعدادی از این موارد را کاهش دهیم و این پیشنهاد خود می‌تواند موضوع تحقیق اختصاصی در این باره باشد. دخالت بی‌جای خویشان و آشنایان نیز با آموزش کلیه سیستم‌های دیگر قابل کنترل می‌باشد.

فساد اخلاقی که در لیست عوامل مؤثر در تقاضای طلاق ذکر شده است باید ریشه‌یابی شود و به‌طور صریح نوع مشکل مشخص گردد. این عامل نیز مانند ناسازگاری رفتاری در شرایط ایده‌آل قابل کنترل می‌باشد. اعتیاد به مواد مخدر، الکل و قمار، عامل تقاضای طلاق در ۲۰٪ موارد بوده است.

کیز (Caces-MF)، هارفورد (Harford-TC) و ویلیامز (Williams-GE) با مروری بر نقش ارتباط مصرف الکل با میزان طلاق و مروری بر آمار موجود از ۱۹۳۴ تا ۱۹۸۷ به نتایج زیر دست یافتند (۷).

افزایش یک لیتر الکل در میزان کلی مصرف جامعه (Alcohol per capita) موجب افزایش طلاق به میزان ۳۰٪ می‌گردد.

در پژوهش دیگری که براساس میزان هزینه ناشی از الکل انجام شده است مشاهده شد که افزایش طلاق به میزان ۱ در هزار با افزایش هزینه ناشی از الکل به میزان ۱۰٪ همراه می‌باشد. در مجموع محققان فوق نتیجه می‌گیرند که نقش مصرف الکل را در افزایش طلاق و نقش افزایش طلاق را

سطح سلامت را بین دوگروه فوق توجیه کنند. بررسی های این پژوهشگر نشان می دهد که اثر مشکلات ناشی از ازدواج در مردان به طور عمده مربوط به عوامل اجتماعی است. در صورتی که مشکلات مالی مهمترین عامل اثرگذار در زنان می باشد (۱۳).

پیشنهادها

- ۱- باتوجه به جوان بودن مواردی که طلاق درمورد آن ها انجام شده است، لزوم آموزش قبل از ازدواج به عنوان یک عامل کارساز پیشنهاد می گردد. این آموزش لازم است حداقل به مدت ۳-۶ ماه تنظیم و شرکت داوطلبان درازدواج در آن ها اجباری شود. این روند هم اکنون در بعضی از کشورها در حال انجام می باشد. وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً تلویزیون می تواند نقش مهمی در این مورد داشته باشند. واحدهای بهداشت خانواده مراکز بهداشتی درمانی کل کشور، باید مسئولیت اصلی تنظیم و اجرای برنامه را برعهده داشته باشند.
- ۲- باتوجه به این که دخالت والدین و خویشان به عنوان یک عامل درانجام طلاق ذکر شده، لازم است خانواده ها در این مورد توجیه گردند.
- ۳- متفاوت بودن نسبت طلاق به ازدواج در شهرهای مختلف، لزوم بررسی عوامل تثبیت خانواده در بعضی شهرها و تزلزل آن در شهرهای دیگر را الزامی می سازد. لازم است دانشگاه های علوم پزشکی و وابسته به علوم انسانی در این مورد پژوهش های اساسی همراه با پی گیری انجام دهند.
- ۴- تسهیلات مشاوره ای موجود، لازم است به خانواده ها معرفی شوند تا در صورت بروز اختلاف، خانواده ها به این مراکز مراجعه نمایند و مورد بررسی های روان شناختی و روان پزشکی قرار گیرند و دادگاه ها تنها پس از مایوس شدن از بی اثر بودن اقدام های مشاوره ای روان شناختی و روان پزشکی وارد عمل شوند.
- ۵- اعتیاد به مواد مخدر، الکل و قمار به عنوان مجموعه ای از عوامل اصلی در اقدام به طلاق جلب توجه می نمایند. لازم است در صورت بروز چنین مشکلی از طریق اقدام های مطرح شده در بند ۴ اقدام شود.
- ۶- باتوجه به این که در ۱۰٪ موارد تشخیص بیماری روانی

حمایتهای اجتماعی داشته است (۱۰).

پزین (Pezzine-LE) و اسکن (Schone-BS) نقش جدائی والدین را بر میزان انتقال و تعامل بن نسلی (Intergenerational transfers) را بررسی کردند. آن ها چهار معیار را به شرح زیر در مورد مفهوم انتقال آموزش بین نسلی مورد توجه قرار دادند.

- ۱- باهم زندگی کردن
 - ۲- کمک مالی
 - ۳- مراقبت از فرزندان بالغ از طریق کمکهای غیر رسمی
 - ۴- پرداخت مالی توسط والدین به ازای دریافت خدمات
- محققان فوق نتیجه گرفتند که طلاق نقش جدی بر انتقال و تعامل بین نسلی دارد و این اثر مخصوصاً درمورد پدران سالمند بیشتر جلب توجه می کند. ازدواج مجدد پدر موجب کاهش بیشتر تبادل های فیمابین می گردد. این پژوهش همچنین نشان داد که کاهش ارتباطات با فرزندان ناتنی بیش از فرزندان تنی می باشد. به طور خلاصه میزان ارتباط فرزندان با والدین در سالهای پایان زندگی به میزان قابل توجه در اثر جدائی والدین کاهش می یابد (۱۱).
- واذورث (Wadsworthx-ME) با انجام پژوهشی در سال ۱۹۹۷ در انگلستان اثر مخرب عوامل اجتماعی و از جمله طلاق را بر بهداشت والدین و کودکان گزارش می کنند و از جمله احساس بی یابوری، فقدان حمایت، کاهش یادگیری و فقر، به عنوان پیامد این عوامل بیان می کند (۱۲).
- یونگ (Joung-IM) با تحقیق مشابهی در سال ۱۹۹۷ در هلند مشاهده کرد که طلاق اثرهای مخرب خود را هم بر بهداشت عمومی و هم بر بهداشت روانی به وجود می آورد. مشکل های بهداشتی افرادی که طلاق در مورد آنها واقع شده است در مقایسه با گروه های عادی بسیار بیشتر است. این محقق معتقد است این روند را می توان به دو شکل توجیه کرد. در نظریه اول به نام نظریه علت اجتماعی (The social causation theory) نام گذاری شده است معتقد است که مشکلات ازدواج بر روند سلامت اثر می گذارد و نظریه دوم که نظریه انتخابی (Selection theory) نامیده می شود معتقد است که میزان سلامت بر روند خانواده اثر می گذارد. این محقق معتقد است که هر دو نظریه می توانند علت اختلاف

همسر، عامل اقدام به طلاق بوده است معاینه روان پزشکی قبل از ازدواج در این مورد می تواند کارساز باشد.

منابع

- ۱- حقانی زنجانی، طلاق یا فاجعه انحلال خانواده، ۱۳۷۱. چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۲- ساروخانی، باقر. طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ۱۳۷۲. انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۷۸
- ۳- استاد شهید مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۷۱، چاپ ششم، ص ۴۳۴ و ۴۴۲ و ۴۴۵.
- ۴- کی نیا، مهدی. عوامل اجتماعی طلاق، ۱۳۷۳، نشر مطبوعات دینی، قم.
- ۵- مرکز آمار ایران، تعداد ازدواج و طلاق شده در سطح استان آذربایجان غربی، سال ۱۳۷۲. انتشارات سال ۱۳۷۳
6. Silvestri, and Silvio, (1990) long-term effects of divorce: inter personal and cognitive traits in men- Paper presented at the Annual, convetion of American Psychological Association. 9th, Boston, M.A, Augst (0-41).
7. Caces-MF; Harford-TC; Williams-GD; Hanna-EZ. Alcohol consumption and divorce rates in the United States. J. Stud-Alcohol. 1999 Sep; 60(5): 647-52.
8. Kessler-RC; Walters-EE; Forthofer-MS. The social consequences of psychiatric disorders. III: probability of marital stability. Am-J-Psychiatry. 1998 Aug; 155(8): 1092-6.
9. Eriksen-W; Natvig-B; Bruusgaard-D. Marital disorruption and long-term work disability. A four-year prospective study. Scand-J- Public- Health, 1999 Sep; 27(3): 196-202.
10. Hope-S; Power-C; Rodgers-B. Does financial hardship account for elevated psychological distress in lone mothers: Soc-Sci-Med. 1999 Dec; 49(12): 1637-49.
11. Pezzin-LE; Schone-BS. Parental marital disruption and intergenerational transfers; an analysis of lone elderly parents and their children. Demography. 1999 Aug; 36(3): 287-97.
12. Wadsworthx-ME. Changing social factors and their long- term implications for health. Br-Med-Bull. 1997 Jan; 53(1): 198-209.
13. Joung-IM. [The relationship between marital status and health]. Ned- Tijdschr- Geneesk. 1997 Feb 8; 141(6): 277-82.